

مجله حقوق قرمز



دوره ۶ - شماره ۱۵ - تابستان ۱۴۰۲

انواع مدل‌های تأمین مالی داوری بین‌المللی

محمد مهدی اسدی

ارزیابی حقوق مالیّه زنان در حقوق خانواده اسلامی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، مصر، مراکش و تونس

حسین موحدیان، محسن اسماعیلی، محمد روشن

بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

عارف رشنودی، یوسف احمدی

تحلیلی بر مشکلات بزه‌دیدگی ثانویه مهاجران در فرایند دادرسی (مطالعه موردی مهاجرین افغانی، عراقی و لبنانی)

امین حاجی‌وند، سید احسان حکیم زاده، امین علی زاده

دیپلماسی دفاعی اختلافات مرزی هیرمند و عدم پیروی معاهداتی

سبحان طیبی، ساناز ابوالقاسمی

بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری اطفال در نظام حقوقی ایران و آمریکا

امین امیریان فارسانی

تحلیل الگوی رابطه سلسله‌مراتبی میان دادستان و دادیار در حقوق کیفری ایران

سعید قائدی، شبنم جهانگیری

تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی نقش زنان در گروهک‌های تروریستی

ندا قهرمانزاده، امین حاجی‌وند، داود علیزاده

دزدی دریایی در آب‌های سومالی به مثابه تهدیدی علیه امنیت و حقوق بین‌الملل

جمشید سپاه منصور، هدایت حسن پور، احمد رضا امتحانی، زهرا فرجی

راهکارهای مبارزه با فساد مالی مقامات دولتی در حقوق ایران

سجاد مرادی، امیرحسین ابوالحسنی

اجرت المثل زوجه در قوانین جمهوری اسلامی ایران و فقه اسلامی

پرویز رضائی، فاطمه امیری

نقش سیاست کیفری ایران در مدیریت رمزارزها

مصطفی کرمی پور، مونا رجب زاده باغی

قلمرو ضمان بایع فضول در پرداخت غرامات در فقه، حقوق و رویه قضایی

عباس باقری، سیاوش راضی

اقتصاد جرم در تحلیل کثرت گرایی مجازات و فردی کردن آن

اسماعیل کشکولیان، محمود اشرافی مهابادی، امین امیریان فارسانی

کیفرهای جامعه مدار: چالش‌ها، آثار و پیامدها در نظام کیفری ایران

ایرج مروتی، جهان‌شاه شکری، اسماعیل قمری

واکاوی سیاست تقنینی ایران در خصوص حاشیه نشینی

نسیم کریمی

نظام حاکم بر اجرای آراء در دیوان عدالت اداری

رضا حسن‌نژاد عمرانی

سیاست کیفری افتراقی تشدید و تخفیف مجازات‌ها در قانون نیروهای مسلح (مطالعه تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا)

یاسر شاکری

بوم‌زدایی، نسل‌زدایی، سرمایه‌داری و استعمارگرایی: پیامدهای [آن] بر مردمان بومی و زیست‌بوم‌های جهانی

سید علیرضا میرکمالی، امین حاجی‌وند، بهزاد توسلی فام

جایگاه ترجمه دادگاهی در ایران و ایالات متحده آمریکا

زهرا وهبی، محمد قربان زاده



The Fair Equivalent Remuneration in the Laws of the Islamic Republic of Iran and Jurisprudence

اجرت المثل زوجه در قوانین جمهوری اسلامی ایران و فقه اسلامی

Parviz Rezaee

PhD student in private law, Islamic Azad University, Bushehr branch, Bushehr, Iran (Corresponding Author)

پرویز رضایی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

rezaee.parviz@yahoo.com

Fatemeh Amiri

Assistant Professor of Private Law, Islamic Azad University, Delwar branch, Delwar, Iran

فاطمه امیری

استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دلوار، دلوار، ایران
f.amiri9977@gmail.com

Abstract

One of the issues that have been implemented in the field of women's rights in the last two decades is the issue of women's right to receive remuneration for the work that she has done in her husband's house, of course, the work that was not part of her duties and the intention in doing has not donated. In this research, we are looking to show, according to the valid sources of jurisprudence and the current laws of the Islamic Republic of Iran, how far is the scope of the fair equivalent remuneration? The result of the present research is that, contrary to what some have thought, it has not been accepted as a principle, but in exceptional and limited cases, and it has been accepted as some problems of the women's society at some point in time. Legislators should write a law about the fair equivalent remuneration it should not cause the woman's wage to work at home to be accepted as a principle in the society and to be promoted and confirmed, because if this policy spreads among people, it will indirectly affect all domestic services. It will be the woman's responsibility because it is assumed that she will receive wages for her work. On the other hand, it lowers the dignity and status of a woman as a wife and a mother in the family, especially in Iranian families where women somehow manage the house and are respected, to the level of a house staff.

Keywords: The Fair Equivalent Remuneration, The Laws of the Islamic Republic of Iran, Women's Work.

چکیده

یکی از موضوعاتی که در زمینه حقوق زن در دو دهه اخیر به صورت قانون اجراء می شود مسئله حق زنان برای دریافت حق الزحمه کارهایی است که در منزل همسر خود انجام داده می باشد، البته کارهایی که جزء وظایف او نبوده است و در انجام آن قصد تبرع نداشته است. در این پژوهش به دنبال آن هستیم که با توجه به منابع معتبر فقهی و قوانین جاری جمهوری اسلامی ایران، نشان دهیم که دامنه اجرت المثل زوجه تا کجاست؟ نتیجه پژوهش حاضر آن است که اجرت المثل زوجه برخلاف آنچه که برخی گمان کرده اند نه به عنوان یک اصل بلکه در موارد استثنایی و محدود مورد پذیرش قرار گرفته است و آنچه که به عنوان برخی مشکلات جامعه زنان در مقطعی از زمان موجب شد که قانونگذار، قانونی راجع به اجرت المثل تدوین نماید نباید موجب شود که اجرت کار زن در منزل به عنوان یک اصل در جامعه پذیرفته شده و ترویج و تثبیت یابد چرا که اگر این سیاست در میان اقشار مردم گسترش یابد به طور غیرمستقیم کلیه خدمات منزل بر عهده زن خواهد آمد، زیرا فرض بر این است که در مقابل کارهای خود مزد دریافت می نماید. از سوی دیگر، شان و جایگاه زن به عنوان یک همسر و یک مادر در خانواده خصوصاً در خانواده های ایرانی که به نوعی زنان خانه را مدیریت می کنند و مورد احترام هستند را در حد یک خدمتکار منزل پایین می آورد.

واژگان کلیدی: اجرت المثل، قوانین جمهوری اسلامی

ایران، کار زن.

Received: 2023/05/16 - Review: 2023/06/29 - Accepted: 2023/08/21

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

ارجاع:

رضائی، پرویز؛ امیری، فاطمه؛ (۱۴۰۲)، اجرت المثل زوجه در قوانین جمهوری اسلامی ایران و فقه اسلامی، تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در قاموس آفرینش موجودی یافت نمی‌شود مگر این که به اراده خالق هستی بخش، جفتی برای آن مقرر شده است. آنچنان که در اوج قله آفرینش، آدم ابوالبشر را به اتفاق حوای ام البشر به خلیفه الهی برگزید که ضمن برخورداری از ویژگی‌های عام خلقت از خصلت‌های متناسب با شان اشرف مخلوقات بودن نیز برخوردار است که از جمله آن‌ها می‌توان به عقلانیت توأم با اراده و حقوق ملازم با تکالیف منحصر به نوع انسان‌ها اشاره کرد. پرندۀ بشریت از به پرواز در آمدن دو بال مردانه و زنانه به پرواز درمی‌آید و هرچند که کارکردها، حقوق و تکالیف به ظاهر متفاوت از این دو جناح مورد انتظار است اما در نهایت مجموعه این وضعیت به حرکت در جهت کمال و به تکامل نوع بشر منجر خواهد شد. ملاک و شاخص ارزش‌گذاری این دو، تقوا و عبودیت است، لذا در ارزیابی و ارزش‌گذاری زن و مرد نمی‌توان یکی را بدون دیگری در نظر گرفت چرا که این دو در نسبت با هم تعریف و معنا می‌شوند و تصور هر کدام بدون دیگری نتیجه‌ای جز کاستی و درماندگی دربرنخواهد داشت. همچنان که اصالت دادن به یکی و کاستن از شان دیگری به خطا رفتن و سقوط به دره نقصان تلقی می‌گردد.

سعادت و شقاوت انسان در گرو ایفای نقشی است که توسط زن و مرد در جامعه صورت می‌پذیرد و تابع جهان بینی و معرفت‌شناسی است که از سوی مکاتب مختلف نسبت به هستی و علی‌الخصوص عنصر کانونی جهان یعنی انسان ارائه می‌شود. این در حالی است که در بعضی جوامع نقش محوری زن در پایایی و نگهداشت بنیان خانواده با هجده‌هایی مواجه شده و عواقب و پیامدهای متعدد هویتی، فرهنگی و اجتماعی را برای این جوامع که عمدتاً در جغرافیای بلوک غرب متمرکز هستند به بار آورده است که پیامدهای آن ثمن

بخشی است که عمدتاً هزینه‌های غیرقابل جبرانی را برای این جوامع به جای گذاشته است.

با این وجود، بعد از انقلاب اسلامی لزوم تغییر فوری قوانین و برگرداندن آن‌ها به قوانین اصیل الهی احساس می‌شد. این تغییرات و وارد کردن بخش‌هایی به قانون جهت برآورده ساختن نیاز جامعه در سایه آموزه‌های فقهی حرکتی است که تاکنون ادامه داشته است و هر بار در یک بازه زمانی طرح یا لایحه‌ای که با هدف احقاق حقوق زن در خانواده و جامعه طراحی شده بود اذهان جامعه و متخصصان امر را به خود مشغول کرده است. در این میان، نمی‌توان برخی طرح‌های شتاب زده را که تحت تأثیر فضای روانی جامعه به قانون تبدیل شده، نادیده گرفت. لزوم پرداختن به حقوق زن، علی‌الخصوص زن مطلقه به عنوان عضو آسیب پذیر جامعه امری است که هر انسان منصفی بر آن صحه می‌گذارد. اما از طرفی، بررسی شتاب زده و تحت تأثیر فضای احساسی و روانی جامعه به یک موضوع و کم رنگ شدن بعد علمی قضیه در سیر تصویب یک قانون، نه تنها دردی از زن و جامعه دوا نمی‌کند بلکه گره‌ای بر گره‌های ناگشوده حقوقی اضافه کرده و بار حقوقی جدیدی بر گرده جامعه اضافه می‌کند لذا در جریان تصویب و قانونی کردن هر طرح و لایحه، این موضوع نباید مغفول واقع شود و باید در نظر داشت که صبغه علمی موضوع بر سایر جوانب آن پیشی بگیرد.

یکی از موضوعاتی که در زمینه حقوق زن مطلقه در دو دهه اخیر به صورت قانون اجراء می‌شود مسئله حق زن مطلقه برای دریافت حق الزحمه کارهایی است که در منزل همسر خود انجام داده می‌باشد، البته کارهایی که جزء وظایف او نبوده است و در انجام آن قصد تبرع نداشته است. آنچه از بررسی مبانی فقهی در زمینه اجرت المثل فعالیت‌های زوجه در منزل همسر به دست می‌آید این است در جایی که بین وجود قصد تبرع عامل یا عدم آن شک وجود داشته باشد به اماره تمسک می‌کنیم و در مورد مسئله مورد بحث، اماره این است که غالباً زن در منزل همسرش با قصد تبرع کار می‌کند و این حکم غالب به سایر موارد مشکوک نیز تسری داده می‌شود. از طرفی تعیین اجرت برای کار زوجه در منزل به نوعی، وهن شان او و تنزل جایگاه مادری و همسری در حد یک خدمتکار ساده است.

اهداف پژوهش به شرح ذیل می‌باشد: تعیین جایگاه فقهی اجرت المثل و شرایط استحقاق آن؛ تعیین جایگاه حقوقی اجرت المثل و شرایط استحقاق آن؛ تعیین رویه عملی محاکم در تعیین اجرت المثل. سوالات پژوهش به شرح ذیل می‌باشد: مبنای حقوقی پرداخت اجرت المثل به زوجه چیست؟ مبنای فقهی پرداخت اجرت المثل به زوجه چیست؟ آیا مبنای حقوقی اجرت المثل را می‌توان در مفاد مواد ۲۶۵، ۳۳۶ و تبصره ماده ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی که در رابطه با عوامل مؤثر در الزام یا عدم الزام

به پرداخت اجرت المثل قصد تبرع یا عدم تبرع شخص عامل است جستجو نمود؟ تا قبل از سال ۱۳۷۱ در هیچ قانون یا مقرره‌ای به طور صریح از اجرت المثل زوج و نخله سخنی به میان نیامده بود و تنها در ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ مورد تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و مورد تصریح واقع شد. در کتب و مقالات موجود، به صورت بسیار مختصر و در حد اشاره‌ای کلی به نخله و اجرت المثل پرداخته شده است و در خصوص پایان نامه‌های دفاع شده نیز بحث از نخله و اجرت المثل، تحت عنوان کلی (حقوق مالی زوج) و در حد چند صفحه مختصر که اکثراً مطالبی تکراری است آمده است. در کتب فقهی نیز نهاد مستقلاً تحت عنوان نخله و اجرت المثل کارهای زن مورد بررسی قرار نگرفته است. هرچند تاکنون کتب، مقالات، پایان نامه‌ها و فعالیت‌های پژوهشی فراوانی درصدد آن برآمده‌اند که با پرداختن به زوایای گوناگون اجرت المثل در فقه اسلامی، قرآن و قوانین مربوطه جمهوری اسلامی ایران جایگاه شامخی را که دین مبین اسلام برای زنان قائل است بیان دارند اما تاکنون اثری جامع و علمی که دربردارنده تمامی جنبه‌های مربوط به اجرت المثل زوج در نظام خانواده باشد و ضمانت اجراهایی را که شرع، قانون و عرف برای تحقق این حقوق مقرر داشته و یا لازم است که در نظر گیرد را بیان دارد، تدوین نشده است.

۱- مفهوم و تاریخ حقوقی اجرت المثل

۱-۱- مفهوم اجرت المثل

مفهوم لغوی اجرت، مزدی است که در مقابل عملی یا در قبال سود جستن از منافع شیء محقق می‌گردد. مفهوم لغوی آن با مفهوم اصطلاحی آن مشابه است. در معنای لغوی اجرت المثل آمده است: اجرتی که برای تعیین مقدار آن، اجرت امثال موضوع اجاره در نظر قرار می‌گیرد. در مواردی که عقد اجاره به سبب فقدان شرطی باطل و اصلاً عقدی منعقد نشده و شخصی هم از شیء منتفع شده باشد بر عهده اوست که اجرت المثل آن را به موجر یا مالک بدهد (دهخدا، ۱۳۷۲، ۸۸۳). اگر کسی از مال دیگری منتفع شود و عین مال باقی باشد و برای مدتی که منتفع شده بین طرفین مال الاجاره‌ای معین نشده باشد، آنچه که بابت اجرت منافع استیفاء شده باید به صاحب مال مزبور بدهد، اجرت المثل نامیده می‌شود. خواه استیفاء مزبور با اذن مالک باشد خواه بدون اذن او، در صورت اخیر، اجرت المثل جنبه خسارت را هم دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ۱۱).

به طور کلی پرداخت اجرت المثل به فردی که برای انجام کاری مامور شده باشد در بسیاری از معاملات مثل اجاره، جعاله، مضاربه و... امری معمول است. پس اجرت المثل دارای تعریف عام است

و در انواع معاملات می‌تواند نقش داشته باشد. اگر شخصی، شخص دیگری را برای انجام کاری اجیر کند و مقدار اجرت عمل وی را تعیین نکند، بعد از انجام کار، عرف تعیین‌کننده اجرت وی است که به آن اجرت المثل می‌گویند که در مقابل اجرت المسمی است که مقدار اجرتی است که از قبل در قرارداد تعیین شده است و در عقد بر آن توافق به عمل آمده است، اما اجرت المثل همان‌طور که گفته شد اجرت متعارفی است که بدون تعیین مقدار آن از جانب طرفین عقد نسبت به عمل، بعد از انجام کار پرداخت می‌شود. بنابراین، سبب استحقاق اجرت و کمیت آن، کاری است که عامل به خواست دیگری انجام دهد، بدون این که قراردادی میان آمر و عامل وجود داشته باشد. در غالب معاملاتی که استفاده از کار یا منفعت شخص دیگر مطرح است، زمینه طرح اجرت وجود دارد. نحله نیز یکی دیگر از اسامی مشابه برای اشاره به اجرت المثل است که در لغت به معنای بدهی و دین آمده و به معنی بخشش و عطیه نیز می‌باشد.

۱-۲- اجرت المثل زن از منظر تاریخ حقوقی

۱-۱-۲- اجرت المثل زن در دوره جاهلیت

در دوره جاهلیت چون زن، دختری به دنیا می‌آورد، او را مورد ملامت قرار می‌دادند. چه بسا که او را توبیخ می‌نمودند. روی اعضاء خانواده از شدت غضب سیاه و تیره می‌شد و تا مدت‌ها سر افکنده بودند. حسن صدر در کتاب حقوق زن در اسلام و اروپا می‌نویسد: در رم پدر خانواده حق داشت به حیات هر یک از اعضای خانواده مخصوصاً زن خود خاتمه بدهد و ناچار نبود به هیچ یک از مقامات رسمی و عمومی در خصوص تصمیمی که گرفته توضیحی داده یا دلیلی ارائه نماید. افلاطون فیلسوف یونانی با وجودی که از برابری زن و مرد حمایت می‌کرد، خدا را شکر کرد که مرد آفریده شده است. ارسطو نیز معتقد بود که زن و بنده بر اساس طبیعت خود محکوم به اسارت بوده و سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند. در یونان قدیم که تمدن آن مشهور بود حقوق عمومی شامل زن نیست. یهودیان زنان را در زمره اشیاء و اموال می‌دانستند و در آیین یهود پسران در دعا‌های شان خدا را شکر می‌کردند که ما را کافر و زن نیافریدی. مسیحیت تا قرن هشتم به جدایی زن و مرد در خلقت اصرار داشت و زنان را از طریق ربایش، اسارت، خرید و فروش تصاحب می‌کردند. در چین نیز از زن به عنوان آب ناپاک یاد شده و در آیین هندوان سوزاندن زنان همراه با شوهران شان مورد پذیرش بود که پرهیز از آن دشوار بوده و نیز در هند از اطلاق عنوان انسان بر زن دریغ می‌کردند و با او معامله مملوک یا بنده زرخرید می‌شود. در یونان قدیم جمعیت به دو دسته تقسیم می‌شده است، برده و آزاد که بردگان از خود رای و اختیاری نداشتند و

مالکان بردگان خود را مانند کالا به هر کسی که می‌خواستند می‌فروختند و اگر فلاسفه و بزرگان یونانی از آزاد حرف می‌زدند، منظورشان مردان آزاده بوده و ربطی به زنان نداشته است (منوچهریان، ۱۳۴۲، ۶۵).

۲-۱-۲- اجرت المثل پس از ظهور اسلام

پس از ظهور اسلام، زن از منظر اسلام و مسلمین به عنوان یک موجود والا و برجسته مکمل مرد بوده است. این یک دیدگاه نوین است که حتی تا به امروز در بسیاری از جوامع جا نیافتاده است. در این زمینه، اسناد مختلفی در ارتباط با اجرت المثل در حقوق اسلام وجود دارند که به جهت عدم خلط مبحث، در قسمت مربوط به اجرت المثل از منظر فقه اسلامی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۲- مواضع قوانین جمهوری اسلامی ایران و فقه اسلامی در ارتباط با اجرت المثل زوجه

۲-۱- موضع قوانین جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اجرت المثل زوجه

ماده واحده اصلاح قانون طلاق در سال ۱۳۷۱ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید که البته به موجب ماده ۵۸ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ نسخ شده است. در تبصره ششم قانون مصوب ۱۳۷۱ مقرر شده بود: چنانچه زوجه کارهایی را که شرعا به عهده وی نبوده به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید. از بررسی‌های انجام شده بر سیر تصویب این قانون و روند شتاب زده و غیرکارشناسی آن، این شائبه ایجاد می‌شود که این قانون از مبنای دقیق علمی برخوردار نیست و تطبیق مفاد آن با مبانی فقهی نیز موید این معناست. از سوی دیگر، اگرچه طبق ماده ۳۳۶ قانون مدنی، هیچ کاری بدون اجرت نیست اما الزام مرد به پرداخت اجرت کارهای زن در خانه در قانون مصوب ۱۳۷۱ مقید به شرایطی شده است. به این شکل که اگر مرد خواهان طلاق باشد و زن هم تخلف از وظایف زناشویی نکرده باشد و نیز خدمات زن به قصد تبرع نبوده باشد دادگاه با توجه به سنوات زندگی مشترک مبلغی را به عنوان اجرت و حق الزحمه کارها و خدماتش در منزل شوهر معین و مرد را ملزم به پرداخت آن می‌نماید و اگر اجرت المثل محقق نشد دادگاه با توجه به سال‌های زندگی مشترک مبلغی را به عنوان نحله معین می‌نماید.

قانونگذار در ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، اتخاذ تصمیم در مورد اجرت المثل را با توجه به شروط ضمن عقد و شروط مندرج در سند ازدواج و مطابق تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی تجویز نموده است که به نوعی سپردن اختیار این موارد به دادگاه و اتخاذ تصمیم در مورد

امکان جمع یا عدم امکان و تعدیل میزان اجرت المثل با توجه به شروط ضمن عقد می‌باشد. تفاوت رویه جدید با قانون مصوب ۱۳۷۱ به این شرح است که زوجه می‌تواند در زمان زوجیت بدون این که بخواهند جدا شوند درخواست اجرت المثل کند و بر اساس تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی و ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، این درخواست مربوط به زمان طلاق نمی‌شود، چرا که قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ ماده واحده مصوب ۱۳۷۱ را به جز بند (ب) تبصره ششم نسخ کرده است. در کنار ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، ماده ۳۰ این قانون تأکید نموده است: در مواردی که زوجه در دادگاه ثابت کند به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف زندگی مشترک که بر عهده زوج است هزینه کرده و زوج نتواند قصد تبرع زوجه را اثبات کند می‌تواند معادل آن را از وی دریافت کند.

۲-۲- مبنای فقهی اجرت المثل

مبنای فقهی اجرت المثل اصل احترام مال مسلمان و اصل عدم تبرع است. در خصوص اجرت کارهایی که زوجه در منزل زوج انجام می‌دهد، بحث مستقلی در فقه وجود ندارد، بلکه مطابق موضوعات مندرج در بخش معاملات شباهت‌هایی وجود دارد که قابل استناد می‌باشد. در هر موضوع فقهی پرداخت اجرت المثل از یک شرط کلی که همان احترام به عمل مسلم و اصل عدم تبرع که مستلزم پرداخت دستمزد عامل می‌باشد، تبعیت می‌کند. استحقاق یا عدم استحقاق اجرت برای عامل، تابع شرایط و ضوابط خاصی است که در بحث اجاره اشخاص مورد بررسی قرار گرفته است. صاحب عروه در باب اجاره می‌گوید: هنگامی که کسی به دیگری امر کند که عملی را انجام دهد و شخص مامور آن را انجام دهد، اگر به قصد تبرع انجام دهد، مستحق اجرت نیست، هر چند آمر قصد پرداخت اجرت داشته باشد. اما اگر شخص مامور قصد اجرت داشته و نوع عمل هم از اعمالی باشد که به طور متعارف و عادتاً اجرت دارد، مستحق اجرت است، هر چند آمر قصد انجام تبرعی عمل را از طرف عامل داشته باشد. فرقی نمی‌کند که شان عامل گرفتن اجرت باشد و یا شغل خود را برای آن قرار داده باشد یا خیر (یزدی، ۱۴۱۷ق، ۶۲۲).

عمده‌ترین و مهم‌ترین دلیلی که پرداخت اجرت المثل را در فقه جایز می‌دانند، قاعده احترام مال مسلم است. احترام مال مسلم به این معنا است که نمی‌توان در مال مسلم و از جمله عمل او که مال محسوب می‌شود به طور مجانی تصرف کرد و به حقوق او تعدی نمود، لذا اگر عملی از جانب وی انجام شود محترم بوده و باید اجرت آن پرداخت گردد. منظور از احترام مال مسلم، مصونیت از تصرف مجانی و تجاوز به آن است یعنی کسی حق ندارد از اموال اشخاص دیگر بدون پرداخت عوض آن بهره‌مند شود.

تنها روایتی که دلالت صریحی بر این قاعده دارد، روایت ابی بصیر می‌باشد. در این روایت، حرمت مال به حرمت خون و جان تشبیه شده است که حاکی از توجه و احترام به مال مسلم می‌باشد زیرا فقه برای خون و جان اهمیت زیادی قائل شده است. سوالی که به ذهن می‌آید این است که آیا قاعده احترام مال مسلم، فقط بیان می‌کند که تصرف در مال دیگران جایز نیست یا این که علاوه بر آن در صورت استفاده از مال یا عمل دیگری باید اجرت آن پرداخت شود؟ شیخ اصفهانی در جواب به سوال فوق معتقد است پرداخت اجرت عمل دیگری از طریق قاعده احترام مال مسلم نیست بلکه از مجرای قاعده اتلاف قابل پرداخت است و در توضیح این جواب می‌فرماید: اضافه شدن کلمه مال به کلمه مسلم از نوع اضافه ملکی است که دو جهت و دو حیثیت دارد: حیثیت ملکی، برای رعایت این نوع از حیثیت، لازم است آنچه که در تصرف فرد است بدون اجازه او تصرف نشود. حیثیت مالی، رعایت این نوع از حیثیت به این است که با مال غیر، معامله غیرمالی انجام ندهد.

۳- وضعیت‌های مختلف فعالیت‌های زوجه در خانه

در مورد عملی که شخص عامل برای آمر انجام می‌دهد، چند صورت قابل تصور است: آمر و عامل هر دو قصد تبرع داشته باشند که در این صورت، عامل مستحق اجرت المثل نیست و ادعای بعدی وی اثری ندارد؛ آمر و عامل هر دو قصد اجرت داشته باشند. در این صورت، عامل مستحق اجرت المثل است (بدون آن که آن را تعیین کنند)؛ عامل قصد تبرع دارد اما آمر قصد اجرت دارد. در این صورت، اجرتی شامل حال عامل نمی‌گردد. عامل، قصد اجرت دارد اما آمر، قصد تبرع دارد که در این صورت، عامل مستحق اجرت خواهد بود.

حال باید دید که اگر آمر مراتب قصد خود (مجانی بودن عمل) را اعلام کرده باشد اما عامل بدون قبول آن و بدون توافق با آمر با قصد گرفتن اجرت کار کرده باشد، حکم قضیه چیست؟ ظاهراً جریان قاعده اقدام مانع تعلق اجرت المثل به عامل خواهد بود. با توجه به موارد مذکور در بالا می‌توان بین دو فرض کلی زیر تفکیک قائل شد: طرفین قصد خود را اعلام نکرده‌اند. در این صورت، با توجه به اصل عدم تبرع و اصل احترام عمل انسان، عامل مستحق اجرت است؛ طرفین قصد خود را اعلام کرده‌اند که در این صورت یا توافق طرفین حاصل شده و یا این که توافقی صورت نگرفته و در عین حال، کار توسط عامل انجام شده است. در این فرض، اگر توافق بر اخذ اجرت یا عدم آن شده باشد، طبق مفاد توافق عمل می‌شود (المؤمنون عند الشروطهم، اوفوا بالعقود و مواد ۱۰، ۲۳۴ و ۲۴۶ قانون مدنی) و اگر توافق صورت نگرفته باشد آمر قصد مجانی بودن عمل و عامل قصد اجرت داشته باشد و علیرغم آگاهی از قصد آمر،

کار مورد نظر را انجام داده باشد، طبق قاعده اقدام، مستحق اجرت نخواهد بود. اگر بین آمر و عامل در قصد دریافت مزد و عدم دریافت مزد اختلافی رخ دهد، نظر عامل مقدم است زیرا عمل مسلم محترم است و اصل، عدم قصد تبرع می باشد و شانیت اجیر و عدم شانیت آن در دریافت یا عدم دریافت اجرت اثری ندارد. البته اگر دلیل یا نشانی بر مجانی بودن عمل وجود داشته باشد یا در ابتدا شرط کرده باشد که این عمل را مجانی انجام دهد، در این صورت استحقاق اجرت ندارد. فعالیت های زوجه به سه دسته وظایف عرفی، وظایف شرعی و فعالیت هایی که جزء وظیفه او محسوب نمی گردند، تقسیم می گردد. تنها وظیفه شرعی زن، عدم خروج از منزل بدون اذن همسر و تمکین همسر می باشد. وظایف عرفی زن هم در زمان ها و مکان های مختلف متفاوت بوده است. هر فعالیتی که خارج از این دو وظیفه باشند در دسته سوم قرار می گیرند.

۴- شرایط پرداخت اجرت المثل کارهای خانگی زن

در صورت عدم شرط مالی حین عقد نکاح و وجود شرایط دیگر، اجرت المثل باید بر اساس کارهایی که زن در منزل شوهر انجام داده محاسبه گردد و اما نحله آن گاه به زن تعلق می گیرد که فاقد شرایط تعلق اجرت المثل یا شرط نصف دارایی باشد. پیش بینی حقوق مالی زن حین رای طلاق به درخواست زوج، در اکثریت قریب به اتفاق موارد به منزله پرداخت این حقوق به زن نیست زیرا زوج می تواند از اجرا و ثبت طلاق منصرف گردد و نتیجه این انصراف نه تحکیم خانواده بلکه بلا تکلیفی و سرگردانی زن خواهد بود. در استحقاق اجرت برای عامل در فرضی که عامل قصد اجرت دارد و آمر قصد تبرع دارد چند شرط مطرح شده است:

الف- عمل در عرف و عادت دارای اجرت باشد: عمل انجام شده در نزد عرف باید کاری یا اجرت باشد. لذا اعمالی که به طور معمول به قصد احسان یا رعایت نزاکت انجام می شود، اجرت ندارد، هر چند به امر دیگری آن کار را انجام داده باشد زیرا گذشته از داوری عرف، ظاهر این است که به قصد تبرع انجام شده است مگر این که شخص که به نیت خود آگاه تر است، ادعا نماید، این عمل را به قصد تبرع انجام نداده که در این صورت، از آنجایی که عمل فرد مسلم محترم است، می تواند حق خود را بدین واسطه مطالبه نماید. علاوه بر این اگرچه عرف برای شخصی که امانتی بپذیرد، اجرتی قائل نیست، اما این امر منافاتی با مالیت داشتن عمل مزبور ندارد، لذا طبق قاعده احترام (رعایت شان فردی که کاری انجام داده) اگر مشخص شود این عمل را به قصد اجرت انجام داده، مستحق اجرت المثل می گردد، زیرا مطابق نظر فقهاء، استحقاق اجرت مقدم به دو امر محترم بودن عمل و عدم قصد تبرع می باشد. حال اگر قصد اجرت،

شرط اجرت المثل قرار گیرد، دیگر نمی‌توان مدعی شد که ادعای عامل مطابق اصل است تا گفتار وی پذیرفته شود. بنابراین با پذیرفتن شرط عدم قصد تبرع، نظر عامل در پرداخت اجرت المثل مقدم می‌شود. مطابق نظر دیگر، همین که احتمال تبرعی بودن عمل عامل داده نشود، کافی است که به جهت عملی که اجازه آن را داده، اجرتش پرداخت شود چه برسد به این که خود شخص به غیر تبرعی بودن عمل اقرار و اعتراف نماید (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۶، ۳۳۷).

طبق نظر اخیر می‌توان (شرط عدم تبرع) را به شرط عدم قصد زن نسبت به تبرع یا عدم تبرع تفسیر کرد و فقط به دلیل این که عمل مسلم محترم است می‌توان اجرت المثل عملش را پرداخت نمود و به علاوه از آنجا که کار زن در منزل به عنوان حرفه شناخته نشده و نزد عرف هم برای آن اجرتی نمی‌باشد، تنها به دلیل محترم بودن عمل وی، اجرت المثل کارش در منزل قابل محاسبه و پرداخت می‌باشد. اجرت المثل، اعمالی را که به طور معمول به قصد احسان انجام می‌شود شامل نمی‌شود در حالی که برای تعلق اجرت به کار عامل باید عمل وی در عرف دارای اجرت باشد. با وجود این، اگر شخصی خودش را به قصد اجرت آماده کاری کند که عرفاً اجرت ندارد و دیگری انجام کار را از او بخواهد، در این صورت عامل مستحق اجرت المثل می‌شود زیرا ارجاع کار به چنین شخصی به طور ضمنی وعده پرداختن اجرت را نیز دربردارد. بر این اساس، گذراندن یک کودک یا پیرمرد از سیلاب خیابان اجرتی ندارد اما اگر کارگری که آماده انجام دادن کار در برابر دستمزد است، آن را انجام دهد، مستحق اجرت المثل خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۶۱).

ب- اصل عدم تبرع: مهم‌ترین شاخصه در پرداخت یا عدم پرداخت اجرت (قصد یا عدم قصد تبرع از طرف عامل) است، زیرا با دستور آمر به انجام عمل حتی اگر آمر قصد تبرع نداشته باشد، یعنی بخواهد به عامل اجرت بدهد، اما عامل قصد تبرع کرده باشد اجرت به وی تعلق نمی‌گیرد زیرا عامل با این نیت بر علیه خودش اقدام کرده و دیگر وجهی برای رعایت قاعده احترام مال یا عمل مسلم باقی نمی‌ماند و به صرف امر به عمل، آمر ضامن پرداخت اجرت نمی‌شود، بلکه باید عمل انجام گرفته توسط عامل هم موصوف به ضمان گردد. به عبارت دیگر، باید نیت عامل برای پرداخت اجرت همراه با نیت اجیر برای گرفتن اجرت باشد تا به وی اجرت تعلق گیرد لذا اگر اجیر نیت گرفتن اجرت نداشته باشد، دیگر اجرت به وی تعلق نمی‌گیرد (خویی، ۱۳۶۵ق، ۳۸۹). به همین جهت در دو مورد ذیل علیرغم امر آمر به انجام عمل، عامل مستحق اجرت نیست: عامل صراحتاً قصد تبرع نموده باشد که این امر مانع جریان قاعده احترام مال مسلم می‌گردد؛ قرینه‌ای خارجی حکایت

کند که عامل در این عمل قصد مجانبت داشته است. در واقع، اعم از این که متبرع بودن عامل به صراحت بیان شده باشد یا به صورت شرط ضمنی عرفی ثابت شود، عامل مستحق اجرت نخواهد بود. ممکن است در اعتبار شرط ضمنی عرفی از حیث فقهی تردید شود.

به عقیده مشهور فقهاء، شرط غیرمذکور در متن عقد اعتباری ندارد و بعضی بر این مطلب ادعای اجماع کرده‌اند (انصاری، ۱۳۷۵ق، ۲۸۲). اما قول به بطلان شروط غیرمذکور در متن عقد به طور مطلق پذیرفته نشده است و بسیاری از فقهاء به اعتبار آن تصریح کرده‌اند از جمله صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۲۳، ۱۹۸)، سیدمحمدکاظم یزدی، محقق اصفهانی و همچنین فقهای عامه نیز شرط ضمنی عرفی را معتبر می‌دانند. البته در این مورد بین قضات اختلاف نظر وجود دارد. بعضی از قضات معتقدند اصل عدم تبرع است یعنی این که اصل بر این است که کسی رایگان کاری را انجام نمی‌دهد و این مرد است که باید ثابت کند همسرش رایگان در منزل کار می‌کرده است و قصد تبرع نداشته است کما این که تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی در ذیل مبحث استیفاء آمده است اما مخالفان (که نگارندگان نیز جزء آن هاست) استدلال می‌کنند که درست است که اصل عدم تبرع است ولی زندگی زناشویی در عرف جامعه ما بر پایه احسان و محبت و تشدید مبانی خانواده است و عمده زنان به رایگان و بدون کوچک‌ترین چشم داشتی به امور منزل می‌پردازند. به تعبیر حقوقی، این اماره بر اصل عدم تبرع تفوق دارد.

ج- عامل و آمر اجرت را تعیین نکرده باشند: هر گاه در قرارداد از اجرت صحبت شده باشد همان اجرت که اجرت المسمی نامیده می‌شود پرداخت می‌گردد، در مقابل اگر آمر و عامل در قرارداد در مورد اجرت توافق نکرده باشند موضوع اجرت المثل مطرح می‌گردد (هدایت نیا گنجی، ۱۳۸۵، ۵۸). باید توجه داشت که همان گونه که پیش‌تر ذکر شده است اجرت المثل در طول شرط ضمن العقد مالی در مورد کارهای زوجه در امر خانه داری است و نیز در طول اجرت المسمی است یعنی اگر زوجه در امور خانه داری شرط ضمن العقد داشته باشد نوبت به اجرت المثل نمی‌رسد.

ه- واجب نبودن عمل: واجب نبودن عمل برای عامل، شرط دیگری است که برخی به آن اشاره نموده‌اند: اگر عمل واجب عینی باشد نمی‌توان در مقابل آن، اجرتی دریافت کرد زیرا وقتی این عمل از جانب شارع مقدس برای او واجب شده است گرفتن اجرت، خوردن مال از راه باطل است و عمل عامل دیگر محترم نمی‌باشد و اجرت گرفتن در مقابل آن عمل از روی رضایت خاطر نمی‌باشد.

۵- شروط ضمن العقد و چگونگی تعیین و نحوه اقامه دعوی اجرت المثل زوجة

۵-۱- شروط ضمن العقد و اجرت المثل

زوجین می‌توانند در زمان انعقاد عقد نکاح، هر شرطی که خلاف مقتضای عقد نباشد را در عقدنامه بگنجانند، یکی از موارد پیشنهادی می‌تواند مشخص کردن تکلیف اجرت المثل باشد. آن‌ها می‌توانند شرط کنند که مثلاً زن برای انجام امور منزل به درخواست مرد ماهانه یکصد هزار تومان دریافت کند یا این که شرط کنند اساساً چنین مبلغی هیچ‌گاه به زن پرداخت نمی‌شود و زن هم حق مطالبه ندارد. در خارج از شکل قضایی زن و مرد می‌توانند برای دریافت و پرداخت این مبلغ با هم توافق داشته باشند. البته از لحاظ قضایی شرط پرداخت این مبلغ، مطالبه زن است اما مرد می‌تواند با رضایت همسرش مثلاً بابت اجرت المثل سی سال زندگی مشترک، بخشی از خانه اش را به نام همسرش کند. در چنین مواردی دریافت یک رسید کتبی از همسر می‌تواند از لحاظ حقوقی از بروز مشکلات بعدی و درخواست مجدد زوجه جلوگیری کند اما اگر مردی با اجبار یا تهدید همسرش را وادار به امضای برگه‌ای کند و مثلاً در قبال مبلغی مشخص او را وادار به صرف‌نظر کردن از اجرت المثل کند، این برگه از لحاظ حقوقی ارزشی ندارد.

۵-۲- چگونگی تعیین اجرت المثل و نحوه اقامه دعوی

در اجرت المثل، وضع مالی مرد ملاک تعیین مبلغ اجرت المثل نیست بلکه با ارجاع امر به کارشناسی، حق الزحمه زن در امور خانه داری مشخص می‌شود. زوجه می‌تواند دادخواست اجرت المثل را مستقل از دادخواست طلاق دهد و نیازی نیست که پس از طلاق یا حین طلاق به این امر اقدام کند و قبل از طلاق و یا حتی زمانی که قصد طلاق هم ندارد نیز امکان دارد که در این زمینه اقدام نماید. البته در زمان اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر موکول به پرداخت حقوق زن از جمله اجرت المثل خواهد بود که این قانون در جهت حمایت از حقوق زنان تصویب شده است. کارشناسی پرونده‌های اجرت المثل هم با ظرافت‌هایی همراه است برای نمونه زنان شاغل در خارج از منزل همیشه اجرت المثل کم‌تری دریافت می‌دارند. پایگاه اجتماعی، شئون زن، شغل پدر، محل زندگی در زمان مجردی و تحصیلات در زمان مجرد و بعد از ازدواج هم در افزایش یا کاهش میزان اجرت المثل تأثیر قابل توجهی دارند. نکته جالب آن که زنان خانه دار، در کارشناسی اجرت المثل، اجرت المثل بیشتری را دریافت داشته و تعداد فرزندان نیز در این زمینه مؤثر می‌باشد.

نتیجه

نتیجه پژوهش حاضر آن است که آنچه که به عنوان برخی مشکلات جامعه زنان در مقطعی از زمان موجب شد که قانونگذار، قانون اجرت المثل را تدوین نماید موجب شود که اجرت کار زن در منزل به عنوان یک اصل در جامعه پذیرفته شده و ترویج و تثبیت یابد، زیرا اگر این سیاست در میان اقشار مردم گسترش یابد به طور غیرمستقیم کلیه خدمات منزل بر عهده زن خواهد آمد زیرا فرض بر این است که در مقابل کارهای خود مزد دریافت می نماید. از سوی دیگر از آنجا که نسبت به قصد مجانیت یا عدم مجانیت کار زن در دوران زندگی مشترک تردید وجود دارد، با توجه به مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی مبنی بر تکلیف زوجین به حسن معاشرت و تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد و قاعده احسان اصل را بر عدم تعلق اجرت المثل می گذاریم. به طور کلی طبق منابع فقهی و قانونی اجرت المثل بر اساس دو اصل احترام به عمل مسلم و مجانی بودن عمل قابل پرداخت است و آنچه از بررسی مبانی فقهی در زمینه اجرت المثل فعالیت های زوجه در منزل همسر به دست می آید این است، در جایی که بین وجود قصد تبرع عامل یا عدم آن شک وجود داشته باشد به اماره تمسک می کنیم و در مورد مسئله مورد بحث، اماره این است که غالباً و در عرف جامعه ایران زن در منزل همسرش با قصد تبرع کار می کند و این حکم غالب به سایر موارد مشکوک نیز تسری داده می شود. از طرفی تعیین اجرت برای کار زوجه در منزل به نوعی وهن شان او و تنزل جایگاه مادری و همسری در حد در یک خدمتکار ساده است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۴، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، **لغت نامه**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴، **حقوق مدنی الزام های خارج از قرارداد**، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- منوچهریان، مهرانگیز، ۱۳۴۲، **وضع حقوقی زن در جهان و طرح قانون خانواده**، چاپ اول، تهران، انتشارات اتحادیه زنان.

- هدایت نیا گنجی، فرج الله، ۱۳۸۵، **حقوق مالی زوجه**، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

عربی

- انصاری، مرتضی، ۱۳۷۵ق، **المکاسب**، تراث الشيخ الأعظم.

- خویی، سیدابوالقاسم، ۱۳۶۵ق، **اجاره**، جلد اول، چاپ اول، انتشارات لطفی.

- نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۲، **جواهر الکلام فی شرح شرائع اسلام**، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

- یزدی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۱۷ق، **العروه الوثقی**، قم، مؤسسه نشر الاسلامی.

Types of Funding Models of International Arbitration

Mohammad Mahdi Asadi

Evaluation of Women's Financial Rights in the Islamic Family Law: The Comparative Study in Iran, Egypt, Morocco, and Tunisia's Law

Hussein Movahedian, Mohsen Esmaeili, Mohammad Roshan

A Comparative Study of Compensation Methods for Moral Damages in the Legal System of Iran and England

Aref Rashnudi, Yusuf Ahmadi

An Analysis of the Problems of Secondary Victimization of Immigrants in the Judicial Process (a Case Study of Afghan, Iraqi (and Lebanese Immigrants

Amin Hajivand, Sayyed Ehsan Hakimzadeh, Amin Alizadeh

Defense Diplomacy of Hirmand's Border Disputes and Non-Compliance of Treaties

Sobhan Tayebi, Sanaz Abolghasemi

A Comparative Study of the Criminal Responsibility of Children in Iranian and American Law

Amin Amirian Farsani

Analyzing the Pattern of Hierarchical Relationship between Prosecutor and Prosecuting Attorney in Criminal Law of Iran

Saeed Ghaedi, Shabnam Jahangiri

Legal and Criminological Analysis of the Role of Women in Terrorist Groups

Neda Gahremanzadeh, Amin Hajivand, Davood Alizadeh

Piracy in Somali Waters as a Threat to Security and International Law

Jamshid Siah Mansour, Hedayat Hasanpor, Ahmadreza Emtehani, Zahra Faraji

Solutions to Fight against Financial Corruption of Government Officials in Iranian Law

Sajjad Moradi, Amirhasan Abolhasani

The Fair Equivalent Remuneration in the Laws of the Islamic Republic of Iran and Jurisprudence

Parviz Rezaee, Fatemeh Amiri

The Role of Iran's Criminal Policy in the Management of Cryptocurrencies

Mostafa Karami Pour, Mona Rajabzade Baghi

The Scope of the Unauthorized Seller's Guarantee of Payment of Compensation in Jurisprudence, Law and Judicial Procedure

Abbas Bagheri, Siavash Razi

Economics of Crime in the Analysis of Pluralism of Punishment and its Individualization

Esmail Kashkoulani, Mahmoud Ashrafi Mahabadi, Amin Amirian Farsani

Community-Oriented Punishments: Challenges, Effects and Consequences in Iran's Penal System

Eraj Morvati, Jehanshah Shecary, Esmail Ghamari

Analyzing Iran's Legislative Policy Regarding Marginalization

Nasim Karimi

The System Governing the Implementation of Decisions in the Court of Administrative Justice

Reza Hasan Nezhad Omrani

The Differential Criminal Policy of Increasing and Mitigating Punishments in the Armed Forces Law (Comparative Study of the (Islamic Republic of Iran and the United States of America

Yasser Shakeri

Ecocide, Genocide, Capitalism and Colonialism: Consequences for Indigenous Peoples and Global Ecosystems Environment

Sayed Alireza Mirkamali, Amin Hajivand, Behzad Tavassoli Fam

The Position of Court Translation in Iran and the United States of America

Zahra Vahabi, Mohammad Ghorbanzadeh